

فصلنامه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۱

جغرافیای محلی در کرمان قاجاری با تأکید بر حقوق عمومی:

جغرافیای ایالت کرمان در عهد ناصری نوشته منشی کرمانی

محمد خداوردی تاج آبادی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۵

چکیده

در ایران دوره قاجار، عصر ناصری، اهتمام ویژه‌ای در تدوین و نگارش جغرافیای ایالت‌های ایران صورت پذیرفت که منجر به نگارش «مجموعه ناصری» شد. یکی از کتاب‌های این مجموعه جغرافیای ایالت کرمان در عهد ناصری است که محمد امین منشی کرمانی، از خاندانی با سابقه در دیوانسالاری کرمان، آن را در حدود سال ۱۲۶۷ ق نگاشته شده است. نویسنده با تکیه بر اسناد و مکتوبات دیوانی، سفرها و دیده‌ها و شنیده‌ها به وصف ایالت بزرگ کرمان براساس جهت‌های چهارگانه جغرافیایی در هجده بلوک پرداخته است. کتاب که گونه‌ای جغرافیای اقلیمی و محلی است، حاوی وصف‌ها و گزارش‌های پرشماری از موضع‌نگاری و سیمای کالبدی شهرها و زندگی شهری، روستائی و عشایری در کرمان آن روزگار است. از گزارش‌ها، اطلاعات و آمار این کتاب می‌توان در بررسی تاریخی اجتماعی و اقتصادی ایالت کرمان در دوره قاجار بهره گرفت و بر جنبه‌هایی مبهم و تاریک آن پرتو افکند.

کلید واژه‌ها: جغرافیای تاریخی ایالت کرمان، منشی کرمانی، کرمان عصر قاجاری.

^۱ استادیار علوم سیاسی، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد سیرجان، دانشگاه آزاد اسلامی، سیرجان، ایران. (نویسنده مسئول)

Khodaverdi1358@gmail.com

۱ - مقدمه

بررسی‌ها در باب تاریخ نوشته‌های جغرافیایی در ایران قاجاری، تاکنون به درستی بر سفرنامه‌های ناصرالدین شاه (مق: ۱۳۱۳ق)، *مرآت البلدان* محمدحسن خان اعتمادالسلطنه (د. ۱۳۱۳ق) و *فارسانامه ناصری* میرزا حسن حسینی فسائی (د. ۱۳۱۶ق) متمرکز بوده است. (به عنوان نمونه ن.ک.: کراچکوفسکی، ۴۳۲، ۱۳۷۹-۴۳۶) با این همه، جغرافیانویسی در عصر قاجار، بویژه جغرافیانویسی اقلیمی/محلّی محدود به این آثار نیست. بنابر آگاهی‌های موجود، در کرمان قاجاری سه کتاب در باب جغرافیای این ایالت نگاشته شده است: *جغرافیای ایالت کرمان در عهد ناصری* نوشته منشی کرمانی؛ *جغرافیای کرمان* تألیف احمد علی خان وزیر (د. ۱۲۹۵ق) و *رساله دهات کرمان* که نگارنده آن ناشناس است. دو اثر اخیر، بویژه *جغرافیای کرمان* وزیر، به واسطه مطالعات گسترده و پربار استاد فقید محمدابراهیم باستانی پاریزی، شناخته و بررسی شده است. کتاب نخست، *جغرافیای ایالت کرمان در عهد ناصری* (مجموعه ناصری، نسخه خطی به شماره ۸، محل نگهداری: مرکز اسناد و آرشیو کاخ گلستان) نگاشته محمدامین منشی کرمانی اخیراً با تصحیح مجید نیک‌پور به چاپ رسیده که این جستار به بررسی صوری، روشی و محتوایی آن می‌پردازد و جایگاه و اهمیت آن را در مطالعات تاریخ کرمان روشن می‌سازد.

۱-۲ درباره منشی کرمانی

نویسنده کتاب، محمد امین ملقب به امین الدوله از خاندان خواجگان و منشی‌های کرمان و اصلاً بردسیری بود و در محله بازار عزیز کرمان می‌زیست. (منشی کرمانی، ۱۳۹۱، ۱۰۰-۱۰۱) نام امین الدوله در خانواده آن‌ها تکرار شده، و زن و مرد در امر کتابت و انشاء صاحب نظر بوده‌اند. نسب آنان به خواجه امین الدوله پسر سلطان ابوسعید، از نوادگان چنگیزخان مغول می‌رسد و سنت تاریخ‌نگاری در این خاندان موروثی بود (همان، ۱۳۹۱، ۱۰۱؛ باستانی پاریزی، ۱۳۹۱، ۲۳) داده‌ها درباره زندگی خواجه محمد امین منشی کرمانی بسیار اندک است و حتی تاریخ تولد و وفات وی دانسته نیست. آنچه می‌دانیم این است که وی در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار (حک: ۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) و دوره حکمرانی طهماسب میرزا مویدالدوله (حک: ۱۲۶۵-۱۲۶۸ق) بر کرمان می‌زیسته است. (منشی کرمانی، ۱۳۹۱، ۵۶-۶۰، ۱۲۸) همچنین در جایی از کتاب به هنگام ذکر اشراف و اعیان محله بازار عزیز، از خود با تعبیر «خواجه محمد امین منشی، مولف این کتابچه» در کنار بزرگ‌زادگانی چون فرزندان ابراهیم خان ظهیرالدوله، حکمران کرمان (حک: ۱۲۱۸-۱۲۴۰ق) و دیوانیان و تاجران و طبیبان و روحانیان و دیگر دانشوران یاد می‌کند که خود نمایانگر موقعیت اجتماعی بالای وی است. (همان، ۱۳۹۱، ۱۰۰-۱۰۱؛ نیک‌پور، حواشی و تعلیقات او بر *جغرافیای ایالت کرمان*، ۱۳۹۱، ۱۱۰، پانویس ش ۱-۱۰، ۱۱۱، پانویس ش ۱-۵).

محمد امین منشی کرمانی ادیب و شاعر بود، و متن کتاب خود را با اشعاری در نعت و مدح پرودگار، پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) آغاز کرده است. (منشی کرمانی، ۱۳۹۱، ۵۳-۵۴) نیز با سرودن اشعاری درباره شهر ماهان و بزرگداشت مقام

شاه نعمت الله ولی محبت و رغبت خود را نسبت به این عارف و رهبر طریقه نعمت اللهیه نشان داده و نیز در جاهای مختلف متن کتاب تمایل خود را به درویش و صوفیه آشکار کرده است. (همان، ۱۳۹۱، ۱۲۴، ۱۲۲، ۱۲۰، ۲۱۴، ۱۹۵، ۱۵۱) از سوی دیگر منشی، مراتب احترام خود را به صورت گذرا و موجز به بنیان گذار طریقه شیخیه کرمان، حاج محمد کریم خان کرمانی (د. ۱۲۸۸ق) بیان کرده است. (همان، ۱۵۰، ۱۳۹۱)

۱-۳ مجموعه ناصری

جغرافیای ایالت کرمان در عهد ناصری بخشی از تبعات گسترده درباره جغرافیای ایالت های ایران در دوره ناصری است که با مرآة النبلاء یا مرآت النبلاء ناصری محمد حسن خان اعتماد السلطنه آغاز شده بود. اعتماد السلطنه تنها چهار جلد از مرآة النبلاء را نگاشت که در جلد اول تا حرف «تا» و جلد چهارم تا حرف «جیم» به جغرافیا پرداخته و دو جلد دیگر (دوم و سوم) شرح سلطنت ناصرالدین شاه تا سال سی ام پادشاهی وی را در برمی گیرد. (نوایی، ۱۳۶۸، سی و یک، سی و دو پانویس ش ۱) چون اعتماد السلطنه در تکمیل اثر خود ناکام ماند، طرحی نو درافکند. وی با کسب تایید ناصرالدین شاه پرسشنامه ای به حکام ایالت ها و ولایت های ایران فرستاد و از آنان خواست که تا کلیه اطلاعات مربوط به حوزه حکومت خود را گردآوری نموده و به دفتر دارالتالیف ارسال کنند.

درباره اینکه چه کسی مأمور انتخاب مولفان شد دو نظر بیان شده است: بنابر نوشته عبدالحسین نوایی «حکام در هر شهر یک یا چند نفر از دانشمندان و علاقمندان به کتاب های تاریخی و جغرافیایی و جمعی از مطلعین محلی را انتخاب کردند و جمع و تحریر اطلاعات مورد نظر را به ایشان محول نمودند». (همان، ۱۳۶۸، سی و پنج). اما باستانی پاریزی آورده است که اعتماد السلطنه خود مأموریت یافت تا در هر ایالتی افرادی را که در امر جستجو و گردآوری مطالب آگاه و اهل قلم بودند را شناسایی و مأمور تدوین و تألیف مجموعه های تاریخی و جغرافیایی نماید. (باستانی پاریزی، ۱۸، ۱۳۹۱-۱۹) منشی خود در مقدمه کتاب اشاره می کند درباره قاجار، ناصرالدین شاه، نیازمند اطلاع از اوضاع بناها و بقعه ها و بناهای قدیم و جدید و تعداد دکان ها و حمام های همه ایالت های ایران بود. (منشی کرمانی، ۱۳۹۱، ۵۴) این اندیشه اعتماد السلطنه در قالب مجموعه ای تحت عنوان «مجموعه ناصری» که حاوی اطلاعات جامعی از همه ایالت های ایران بود، گردآوری و تألیف شد. (باستانی پاریزی، ۲۰، ۱۳۹۱) نگارش بخش جغرافیای ایالت کرمان به منشی واگذار شد، به بیان خود وی «بررسی و نگارش اوضاع بلده و بلوک کرمان به عهده اهتمام بنده درگاه گردید». (منشی کرمانی، ۱۳۹۱، ۵۴)

بنابراین تألیف کتاب در روزگار حکومت ناصرالدین شاه صورت گرفته است و بهره گیری از تعبیری چون «ابوالنصر ناصرالدین شاه خلد الله ملکه و ادام الله دولته» (همان، ۵۹) موید این موضوع است. بنابر برخی از عبارات و اشارات متن توان دانست که منشی در چه سال هایی مشغول نگارش این کتاب بوده است. به عنوان نمونه در ذیل بلوک رفسنجان، ضمن ارائه گزارش درباره برخی آبادی های این ناحیه، به برخی از سوانح طبیعی که چند سال قبل از زمان خود رخ داده است اشاره می

کند: « اصل قلعه آقا که قریه ای معمور و از سایر قراء مشهورتر بوده که عمارات عالیه و حمام و مسجد و کاروانسرا و دکاکین و بازار داشت ... در سه چهار سال قبل سنه ۱۲۶۴ق به سبب نزول رحمت، سیل بسیار آمد». (همان، ۲۳۸) در جایی دیگر که در ذکر چگونگی احداث برخی اماکن عام المنفعه در نصرت آباد سیرجان آورده است: « در سمت شمالی نصرت آباد حاجی سید ابوالمعصوم یک قبه یخچال ساخته و به اتمام رسانیده ولی حال [که سال] ۱۲۶۷ق / ۱۸۵۱م [است]، چهار، پنج سال است که او را ساخته و یخ نمی کند». (همان، ۲۴۸) از این روی سال ۱۲۶۷ق، دوران زمامداری طهماسب میرزا مویدالدوله بر کرمان (حک: ۱۲۶۵-۱۲۶۸ق)، را می توان زمان تالیف جغرافیای ایالت کرمان در عهد ناصری دانست. (نیک پور، ۱۳۹۱، ۴۲)

۲- اشیوه تدوین

منشی منقد شیوه تدوین کتاب های جغرافیایی در قالب فرهنگنامه است، چرا که در باور وی در این شیوه نگارنده توجهی به جایگاه واقعی و موقعیت جغرافیایی هر ناحیه و دوری و نزدیکی شهرها نسبت به یکدیگر ندارد. (منشی کرمانی، ۱۳۹۱، ۶۳) خود وی با بهره گیری از جهات چهارگانه ایالت بزرگ کرمان را به هیجده بلوک تقسیم می کند. نخست به وصف شهر کرمان، مرکز ایالت، و نواحی و آبادی های دور و نزدیک این شهر مانند سرآسیاب، ماهان، جوپار، قنات عسان، لنگر، هوتک، چترود، خنامان می پردازد و سپس شهرهای شرق و شمال شرقی کرمان یعنی کوهپایه، خبیص و گوک و شهرهای شمال غرب کرمان، زرنند، راور و کوهبنان و در ادامه شهرهای غرب و جنوب غرب کرمان بردسیر، رفسنجان، انار، سیرجان و اقطاع و شهرهای جنوب کرمان، بندرعباس، جیرفت، ساردویه، اسفندقه، رودبار، راین و گودر و سرانجام شهرها و نواحی جنوب شرق کرمان بم و سیستان را وصف کرده است. وی سیستان را یکی از بلوکات ایالت کرمان به شمار آورده، (همان، ۱۳۹۱، ۶۳) اما نامی از «شهربابک» نیاورده است؛ در حالی که معاصران وی چون رضا قلی خان هدایت (د. ۱۲۸۸ق) و وزیری که آثار خود را پس از منشی نگاشته اند شهربابک را در زمره بلوکات هیجده گانه کرمان به شمار آورده اند. هدایت، ۱۳۳۹، ج ۹، ۲۵۵؛ وزیری، جغرافیای کرمان، ۲۷۲ - ۲۷۹)

حدود یک سوم گزارش های کتاب به مرکز ایالت، شهر کرمان و زادگاه مولف، شهر بردسیر اختصاص یافته است. پس از این دو، بیشترین داده ها در باب شهرهای بم، اقطاع، سیرجان و کوهبنان است، در حالی که گزارش وی از رفسنجان و بندرعباس بسیار اندک است. وی شهر کرمان را به دو بخش، نواحی داخلی و حومه و نواحی خارج از شهر تقسیم می کند و سپس به تفصیل به وصف این نواحی می پردازد. در توصیف بعضی از بلوک ها اقلیم و جغرافیای طبیعی آن بلوک را در نظر می گیرد و سپس به توصیف و گزارش آن بلوک می پردازد؛ مثلاً بلوک زرنند (منشی کرمانی، ۱۳۹۱، ۱۸۱) و بلوک اقطاع

همان، ۲۶۷) را به دو بخش جلگه ای و کوهستانی و بلوک سیرجان (همان، ۲۴۵) را بر همین اساس به سه بخش کوهستانی، قهستانی و جلگه ای تقسیم می کند، در حالی که در ذکر بلوک های دیگر مانند بلوک بم، بلوک رفسنجان و جیرفت از این الگو پیروی نمی کند.

۲-۲ منابع

منشی کرمانی در هیچ جای کتاب، به منابع خود اشاره نمی کند، اما به نظر می رسد داده های وی مبتنی بر اسناد و مکتوبات اداری و دیوانی، دیده ها و شنیده های و برخی منابع مکتوب است. توان گفت که بخش عمده ای از کتاب حاصل مشاهدات مستقیم و سفرهای شخصی نویسنده است. نویسنده اصلاً بردسیری بوده و ساکن کرمان، به اولیای صوفیه در ماهان و کوهبنان ارادتی داشته و بدانجاها سفر کرده و به تفصیل به وصف این دو ناحیه پرداخته است. (همان، ۱۵۳، ۱۵۰، ۱۴۱، ۱۳۵، ۱۰۱، ۱۹۵ - ۱۹۷، ۳۳۰ - ۳۳۵؛ باستانی پاریزی، ۱۳۹۱، ۲۳) همچنین گزارش های مفصل وی از بردسیر، سیرجان، اقطاع، جیرفت، بم و سیستان نشانگر آن است که مولف خود به آن نواحی سفر کرده است. (منشی کرمانی، ۱۳۹۱، ۲۰۹ - ۲۳۶، ۲۴۵ - ۲۶۴، ۲۶۵ - ۳۰۶)

منشی چنان که گذشت خود و خاندانش دیوانسالار بودند و به دیوان ها و دفترها، اسناد اداری و حکومتی دسترسی داشت و از این روی بخش عمده ای از گزارش های وی مبتنی بر اسناد و مکتوبات دولتی است. در ایران قرن نوزدهم، پیشوایان شهری را دو گروه کدخدا و کلانتر تشکیل می دادند و از زمان صفویه سرپرست رسمی هر محله کدخدا بود، (همبلی، ۵۸۲، ۵۸۰، ۱۳۸۴) بنابراین می توان حدس زد که اطلاعات و آمار وی از کارگاه های نساجی، اصناف، آب انبارها، حمام ها، مساجد، تکایا و منازل اعیان و افراد سرشناس هر محله را از کدخداها و کلانترها گرفته است. گزارش های منشی از خانه های اعیان، مثلاً توصیف وی از اندرونی نواب متعالیه، دختر فتحلیشاه که دفترخانه دولتی شده بود، و عمارت بیگلربیگی، و دیوان خانه (منشی کرمانی، ۱۳۹۱، ۶۸، ۶۹) نشان از آمد و شد بدین مکان ها و دسترسی به اسناد و مکتوبات آنها دارد. همچنین به نظر می رسد وی به اسناد وقفی دسترسی داشته است، مثلاً متن کامل موقوفه محمد شاه قاجار (حک: ۱۲۵۰ - ۱۲۶۴ق) را درباب وقف مزارع فرمیتین ماهان بر بقعه شاه نعمت الله ولی آورده است. نیز به نحوه تقسیم درآمد حاصله از دکان ها، مزارع، حمام ها، کاروانسراهای وقفی که به آستان های مقدس امام رضا (ع) و امامزاده های ایالت اختصاص دارد، و به مزارع وقفی امام حسین (ع) و موقوفات شخصی افراد خیر اشاره کرده است. (همان، ۷۷، ۷۸ - ۷۹، ۱۴۱ - ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۷۴ - ۱۷۵، ۲۱۳، ۲۸۶)

قاعدتا آنچه منشی از اخبار گذشته نقل می کند، برگرفته از منابع مکتوب بوده، اگر چه خود نامی از این آثار به میان نمی آورد. مثلاً درباره شهر کرمان می نویسد: «ارباب تواریخ این شهر را از بناهای کیان دانسته اند» (همان، ۷۴) گویا وی یکی از

تاریخ های محلی که امروز در دسترس نیست، یعنی بمانه را در اختیار داشته و روایت های وی از دوره اساطیری و دوره اسلامی این شهر برگرفته از آن است.

۳- ۲ محتوا و اهمیت

جغرافیای ایالت کرمان در عهد ناصری حاوی گزارش ها و داده های گوناگون و پرشماری از جغرافیای طبیعی و آب و هوا و اقلیم گرفته تا جغرافیای انسانی، جامعه و اقتصاد شهری و روستایی این ایالت در عصر قاجار است، از این رو منبعی ارزشمند و پرمایه برای بررسی تاریخ اجتماعی و اقتصادی این ایالت در دوره قاجاری است.

وصف سیمای کالبدی شهرها، از ارگ، سرای ها، قلعه ها، باغ ها و دروازه ها گرفته تا محله ها و مساجد و ابنیه مذهبی و آب انبارها و حمام ها بخشی های زیادی از جغرافیای منشی را دربرگرفته (همان، ۱۶۰، ۲۲۶) که در بررسی تاریخ شهرسازی و معماری در این ایالت بسیار محل مراجعه تواند بود. به عنوان نمونه بنابر توصیف وی کرمان پنج دروازه داشت: مسجد، ریگ آباد، سلطانی، ارگ، گبری. (همان، ۷۱ - ۷۳) بندرعباس چهار دروازه: گمرک، فرزه، طرف شمال، کلاه فرنگی؛ بم پنج دروازه: علم دار، کیمشک، کوی میر، بجشک، نماشیر؛ و قندهار شش دروازه: توپ خانه، هرات، کابل، بردرایی، شکارپور، عیدگاه. (همان، ۳۳۰، ۲۹۳، ۳۳۱، ۳۷۹ - ۳۸۰) گزارش وی از محله های کرمان چندان مفصل و دقیق است که از روی آن می توان نقشه کرمان آن روزگار را کشید.

وضع اقتصادی، تجاری و مالی ایالت کرمان در این عصر نیز در این کتاب به تصویر کشیده شده است. منشی به تفصیل به بازارها و مراکز تجاری و اقتصادی از جمله بازارهای گنجعلی خان، ابراهیم خان، صفاران، آقا علی (همان، ۸۱، ۷۵) و کاروانسراهای گلشن، سرای حاجی حسین، سرای گنجعلی خان، سرای صالح ناظر، سرای میرزا حسین خان، سرای حاج سید جواد، سرای خراسانی پرداخته است. (همان، ۱۱۳ - ۱۱۵) گزارش های وی از تجارت در شهر کرمان، گاه حاوی جزئیات و آماری منحصر بفرد است مثلا آماری دقیق از تاجران فعال در کاروانسرای قدیم به دست می دهد: تاجر کرمانی (۲۰درب)، تاجر یزدی (۱۲ درب)، تاجر کاشانی (۳ درب)، تاجر لاری (۱ درب)، تاجر شیرازی (۲ درب) یا ذکر نوع تجارت، یک درب عطار کرمانی؛ دو باب بزاز شیرازی. (همان، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۸۱) تاجر سرای گلشن نیز از این قرار بودند: تاجر کرمانی ۲۴ درب، تاجر هرنندی ۶ درب، و... قندهاری ۳ باب، مجوس ۶ باب. (همان، ۷۴- ۷۵، ۸۱، ۱۱۳ - ۱۱۵) وی از بازارها و کاروانسراهای سیرجان، بندرعباس قندهار نیز یاد کرده است. (همان، ۳۸۰، ۲۹۶، ۲۴۶)

کتاب حاوی گزارش های بسیاری از اصناف، صنعتگران و پیشه وران، بویژه در شهرهای کرمان و سیرجان است. به عنوان نمونه آورده است در سعیدآباد سیرجان، یکصد و پنجاه تا دویست و در نصرت آباد این شهر ده تا پانزده مغازه اعم از بزازی، بقالی، خبازی، کفاشی، خیاطی و صباغی وجود دارد. (همان، ۲۴۷، ۲۴۶) کتاب پر است از اسامی و اطلاعات درباره کارگاه-

های شالبافی و بافندگی (ترمه سنگین، ترمه رضایی، اعلی، محرمت، گل ریزه، شلواری، کوسه)، پتوبافی، عبابافی، حرمی بافی؛ سبزی فروشی، عطاری، عصاره، صاحبان اصناف و حرفه ها و پیشه وران، فته دوزها، بزازها، عطارها، بقال ها (در کرمان، سعید آباد و نصرت آباد سیرجان)، پینه دوزها، تنباکو فروش ها، و چیلانگرها، حدادها، کفاش ها و خبازهای کرمان و کوهبنان، سعید آباد و نصرت آباد سیرجان (همان، ۱۱۶- ۱۱۸، ۱۹۴، ۲۴۶) چیت سازها، حلوابی ها، علاف ها، خرده فروش ها، خیاط های خانگی و مغازه دارها در کرمان، سعید آباد و نصرت آباد سیرجان، زرگرها و دوات سازها، سُکاک ها، سری فروش ها، صراف ها و صباغ ها در کرمان و سعید آباد سیرجان، صفارها، طبخ ها، علاقه بند ها، عصارها، قنادها، کلاه دوزها، کاشی گرها، کورک فروش ها، کیسه دوزها، لوف ها، نخود بریزها، نعل چی گرها، نعل بند ها، نجارها، اتوکش ها (همان، ۱۱۶- ۱۱۸، ۲۴۷، ۲۴۶) گزارش های وی در این باب محدود به شهرها نیست. به عنوان نمونه به «دکان های صباغی» روستاهای ده علی، ده معین، زیدی و سورویه در کوهبنان (همان، ۲۰۸) و به «مزارعان»، «بندبان ها» و «مقنّیان» باغین و به «عمله ها»، «چاه کن ها» و «پلاس نشین ها» در سه فرسخی روستای سامان جرد از توابع بردسیر (همان، ۲۱۲- ۲۱۳، ۲۱۶) و به ارباب، کدخدا و پاکار، معاون و کمک کدخدا در نگار و به اصناف، دکان های خبازی و بقالی قلعه روستای خانه سرخ از توابع بردسیر (همان، ۲۳۵، ۲۱۵)، و به دکان داران، بازاریان، ضابط های روستای قلعه آقا در رفسنجان، و به ارباب، زارع و عمله در روستای گودر از توابع راین اشاره^۱ و نیز اهالی روستای بیدخان از توابع بردسیر را به دو طبقه «دیوانیان و منشیان و نویسندگان» و «طبقه مالک و کشاورز و کارگر» و اهالی بلوک اِسْفَنْدَقَه را به دو قشر ثروتمند، متمکن و مالدار که بخشنده و کریم بوده اند و قشر بی بضاعت و رعیت و زارع تقسیم کرده است. (همان، ۲۱۵، ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۰۸، ۲۲۳، ۲۱۶، ۲۳۹، ۲۳۵؛ پورحسینی، ۸۷، ۱۳۷۰)

زمین داری و کشاورزی و مناسبات مالک و زارع نیز بخش عمده ای از کتاب را به خود اختصاص داده است. برای نمونه منشی از فراوانی اراضی در خالصه جیرفت یاد می کند (همان، ۲۲۹) و به دو شیوه اخذ مالیات یعنی «برق» (تغییر یافته برخ به معنای قسمت و سهم) و «آقچه» (به معنای مالیات غیر مستمر) می پردازد. (همان، ۱۶۳، ۱۵۹؛ نیک پور، ۱۵۹، ۱۳۹۱، پانویس ش ۱؛ پورحسینی، ۳۵، ۱۳۷۰) بنابر گزارش وی برخی مزارعان در باغین با عنوان «بندبان» با پرداخت نفقه سالیانه و دریافت مقداری از محصول، نظارت و مراقبت از آب قنات ها را بر عهده دارند و گروهی به عنوان مقنّی قنات همیشه در قریه العرب سکونت داشتند. (منشی کرمانی، ۲۱۲، ۱۳۹۱- ۲۱۳) وی از اخذ مالیات «بُنیچه» از اراضی کشاورزی روستای بین جوشان و سیرچ؛ مالیات سیورغال و تیول در زَرَنَد به وسیله مرتضی قلی خان افشار، از احفاد و نوادگان ولی خان افشار، حکمران کرمان، (حک: بار اول: ۹۸۶- ۹۹۶ق؛ بار دوم: ۹۹۸- ۱۰۰۵ق) اخذ مالیات های «سیورسات» و «اخراجات» از مردمان قلعه عسکر رفسنجان و دارزین بم و دریافت مالیات بُنیچه از ناحیه سَغْرک، روستایی از توابع بردسیر اشاره می کند. مزرعه ده دیوان، از توابع رابُر، املاک خالصه دیوانی بود، که از سوی فتحعلی شاه به «علی اکبرخان و محمد حسن بیگ رابری» به عنوان تیول و سیورغال واگذار شده بود. (همان، ۱۷۰، ۱۷۹، ۱۸۰، ۲۷۱، ۲۳۷، ۲۱۸، ۲۲۲- ۳۴۳، ۲۷۲. وی گزارشی از خرابی

اراضی کشاورزی و ویرانی کندوهای عسل برخی نواحی مانند بیدخان از توابع بردسیر، به سبب اوضاع بد اقلیمی و کوچ ایل فارسی و پرداخت مالیات به دست می دهد (همان، ۲۲۵ - ۲۲۹) و از مردمان ناحیه هجین، روستایی از توابع بردسیر یاد می کند که قبلاً زارع بوده اند ولی در زمان تألیف کتاب مقروض و بدهکار و بیکارند و اربابان روستا از جانب آنان کشت و زرع می کنند تا مالیات آنان را پردازند. (همان، ۲۲۹) نیز اشاره می کند که باغ ها و مزارع راین به سبب گذر لشکریان و نظامیان از آنجا و اخذ مالیات های « سیورسات » و « اخراجات » خسارت های فراوان دیده و نابود شده است. (همان، ۲۳۵) منشی از استعداد زراعت میان شوره گر تا گرگ در سیستان سخن گفته است و اینکه در صورت وجود زراعت و نگهداری، اسباب آبادانی و آسایش برای دولت و رعیت فراهم می شود. (همان، ۳۵۷) وی از قیمت برخی محصولات کشاورزی مانند برنج، غله و گوشت و روغن و از وفور غلات و قیمت مناسب حبوبات و میوه ها در قندهار و از واردات پارچه از هند به قندهار سخن گفته است. (همان، ۳۷۹)

جمعیت نگاری نیز مورد توجه منشی کرمانی بوده است؛ اگرچه واحد وی در ذکر آمار بیشتر خانوار است تا فرد. مثلاً طبق گزارش وی جمعیت طایفه رئیسی در ریگان بیست خانوار، (همان، ۳۴۷؛ قس وزیری (جغرافیای کرمان، ۱۳۸۳، ۲۰۳) که جمعت آنان را دویست خانوار می نویسد. جمعیت قلعه زرنده و حوالی آن سیصد و سی خانوار (منشی کرمانی، ۱۸۰، ۱۳۹۱)، جمعیت محله محی آباد کوهبنان بیست خانوار (همان، ۱۹۴)، جمعیت روستای هجین ده پانزده خانوار (همان، ۲۲۹، ۱۳۹۱)، جمعیت روستای باغ بزم از توابع بردسیر تقریباً بیست سی خانوار (همان، ۲۳۱) و جمعیت روستای بهرام آباد از توابع رفسنجان چهارصد خانوار (همان، ۲۳۱) بود. به گزارش وی جمعیت محله چماه کوهبنان قبل از زلزله ۱۲۶۳ ق یکصد و بیست خانوار و پس از زلزله قریب چهارصد نفر بود. (همان، ۱۹۴) روستاهای سعیدآباد، ده یادگار، نصرت آباد، سعادت آباد و گران، ملک آباد، قلعه سنگ از توابع سیرجان به ترتیب چهارصد، هفتاد تا هشتاد، سیصد، یکصد و سی تا چهل خانوار (همان، ۲۶۰، ۲۵۹، ۲۴۶، ۲۴۵، ۲۳۹، ۲۳۱، ۲۲۹، ۱۹۴، ۱۸۰) و طوایف بلوک اقطاع یعنی میرشکاری یکصد؛ گُر دویست؛ اسکندری شش؛ و قلندری چهار خانوار جمعیت داشتند. (همان، ۲۸۴) بنابر تعلیل وی افزایش شمار جمعیت سعیدآباد سیرجان نتیجه استقرار این ناحیه بر سر راه های کاروانی و تجاری بندرعباس و شیراز و مهاجرت از لار، جهرم، یزد، فارس و کرمان به آنجا بود. (همان، ۲۸۴)

منشی به زندگی عشایری و بیلاق و قشلاق طایفه های کوچرو نیز توجه کرده است. به طور مثال، ذکر طایفه های بُچاقچی، افشار، آرشلو، حلویی، راینی و مزنگ را آورده که در بهار به روستاهای چهارگنبد و تکیه و منطقه بیلاقی مُشکویه و مَهَن مشکویه از توابع سیرجان، کوچ می کردند. نیز از طایفه قَرایبی که در تابستان به بلوک آرزویه، از توابع اقطاع کوچ می کردند و طایفه افشار که در زمستان به جیرفت کوچ می کردند و همچنین از قشلاق طوایف مهنی و ساردویی سخن رانده است. (همان، ۳۰۰، ۲۵۷، ۲۵۶) نیز از « قلعه گرد » محل اقامت تابستانی طوایف مُقبلی و قراویه و به طوایف بارچی و مهنی، اربابان کوه بارچی و بَهر آسمان، و به طوایف کوه رمان و روستای سر بیژن، مهنی، مجاز، غُربا و جبال بارز، و به طوایف افشار و ساردویی

روستای ده بکری از توابع ساردویه جیرفت، و به بلوچ های «حسن خانی و محمد رضا خانی» در ریگان یاد می کند. همان، ۳۴۷، ۳۱۶، ۳۱۵، ۳۱۱، ۳۱۰، ۳۰۹).

۳ نتیجه

جغرافیای ایالت کرمان در عهد ناصری، تالیفی اصیل و ارزشمند در گونه جغرافیای اقلیمی و محلی در ایران دوران قاجار است. منشی کرمانی با تکیه بر اسناد و مکتوبات اداری، مالی و وقفی و مشاهدات شخصی و اقوال و گفتار دیگران و با پرهیز از تکرار و زیاده گویی و به توصیف ایالت کرمان پرداخته است. کتاب حاوی گزارش ها و داده های پرشمار، آمارهای ریز و دقیق و نکته‌هایی تازه در جغرافیای اقتصادی و انسانی و جامعه شهری و روستایی و عشایری کرمان در دوره قاجار است. اکنون پژوهشگران تاریخ کرمان در دوره قاجار می‌توانند با بهره‌گیری از این کتاب به پژوهش‌ها و بررسی‌های نو در جغرافیای تاریخی و تاریخ اجتماعی و اقتصادی این ایالت در این دوره دست زنند.

کتابشناسی

- باستانی پاریزی، محمد ابراهیم. (۱۳۹۱ش). **مقدمه بر جغرافیای ایالت کرمان در عهد ناصری**. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- پورحسینی، ابوالقاسم. (۱۳۷۰ش). **فرهنگ لغات و اصطلاحات مردم کرمان**. کرمان: کرمان شناسی.
- کراچکوفسکی، ایگناتی یولیانوویچ. (۱۳۷۹ش). **تاریخ نوشته های جغرافیایی در جهان اسلامی**. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: علمی و فرهنگی.
- منشی کرمانی، محمد امین. (۱۳۹۱ش). **جغرافیای ایالت کرمان در عهد ناصری**. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
- نوایی، عبدالحسین. (۱۳۶۸ش). **پیشگفتار بر مرات البلدان**. به کوشش میر هاشم محدث. تهران: دانشگاه تهران.
- نیک پور، مجید. (۱۳۹۱ش). **پیشگفتار و حواشی و تعلیقات بر کتاب جغرافیای ایالت کرمان در عهد ناصری**. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی.
- وزیری، احمد علی خان. (۱۳۷۵ش). **تاریخ کرمان**. به تصحیح و تحشیه باستانی پاریزی. تهران: علمی.
- _____ (۱۳۸۳ش). **جغرافیای کرمان به ضمیمه رساله دهات کرمان**. به تصحیح و تحشیه باستانی پاریزی. تهران: علم.

هدایت، رضا قلی خان. (۱۳۳۹ش). **روضه الصفا ناصری**. قم: خیام.
همبلی، گاوین، (۱۳۸۴ش) «شهر سنتی ایران در دوره قاجار». **تاریخ ایران در دوره افشار، زند و قاجار، از مجموعه تاریخ کمبریج**. به سرپرستی پیتر آوری. ترجمه مرتضی ثاقب فر. تهران: جامی.

Local Geographical Writings in Qājār Kerman:
Joghrāfiāy-e Eyālat-e Kermān Dar Ahd-e Nāseri by Monshi Kermani

In Qajar Iran, the Nseri era, special attention was paid to the geography of the Provinces of Iran, which led to the writing of the "Naseri collection". One of the books of this geographic collection *Joghrāfiāy-e Eyālat-e Kermān Dar Ahd-e Nāseri* by Monshi Kermani, a clan with a record in the Kerman bureaucracy, wrote about 1267 AD. The author, based on the documents and Administrative Letters, travels and views and heard, describes the great state of Kerman on the basis of geographic quadrants in eighteen blocks. The book, which is a climatic and local geography, contains numerous descriptions and reports of the physical positioning of cities and urban, rural and nomadic life in Kerman at that time. From the reports, the information and statistics of this book can be used in the study of the socio-economic history of the Kerman Province during the Qajar period and on some of its blind spots.

Keywords: Persian Geographical Writings, Historical Geography of Kerman Province, Monshi Kermani, Qajar era.